محاسبه کبیسه سال قمری با معیار ساعات و دقائق اضافی

در اینکه سنه شمسیه نیست، خیلی واضح است. در سنه قمریه، اینکه ایشان فرمودهاند در سی سال یازده تا است، این یک جور محاسبه است. این یکی از طرق است. در فدکیه صفحهای هست به نام «روایت سیاری در صوم یوم خامس و کبیسهٔ یوم سادس». پسر حاج آقا حسین در کتاب تکمیل المشارق الشموس، صفحه چهارصد و هفتاد و دو، توضیح مختصری دارند. من از چند جا اینها را عرض میکنم. کلمات علماء است که افاده فرمودهاند. ما از محضر همه آنها استفاده کنیم. وقتی شهید فرمودند:

و لا عبرة أيضا بعد خمسة أيام من اليوم الذي كان أول الشهر في السنة الماضية في غير الكبيسة و ستة أيام في الكبيسة مع دخول اليوم الأول من الماضية في عداد الخمسة أو الستة و جعل الخامس أو السادس أول الشهر في السنة الحاضرة مثلا إذا كان أول الشهر في السنة الماضية يوم الأحد فأوله في هذه السنة يوم الخميس في غير الكبيسة و يوم الجمعة في الكبيسة[1]

شهید در درس فرمودهاند: «و لا عبرة أيضا بعد خمسة أيام من اليوم...»؛ اینکه از پاراسال روزه گرفتی، پنج روز بشماری و روز پنجم را روزه بگیری درست نیست. ایشان میفرمایند:

> و هذا الحساب باعتبار أن السنة الهلالية ثلاثمائة و أربعة و خمسون يوما و ثمان ساعات و ثمانية و أربعون دقيقة ففي كل ثلاث سنين يحصل من الساعات الزائدة بقدر يوم للكبس و في كل ثلاثين سنة أيضا يحصل من الدقائق الزائدة بقدر يوم للكبس ففي كل ثلاثين سنة يحصل أحد عشر يوما للكبس فيكون في جملة الثلاثين إحدى عشرة سنة كبيسة هي الثانية و الخامسة و السابعة و العاشرة و الثالثة عشر و السادسة عشر و الثامنة عشر و الحادية و العشرون و الرابعة و العشرون و السادسة و العشرون و التاسعة و العشرون[2]

آقازاده حاج آقا حسین در یک سطر و نیم بهصورت خلاصه و خوب مطلب را فرمودهاند.

«و هذا الحساب باعتبار أن السنة الهلالية ثلاثمائة و أربعة و خمسون يوما»؛ سال هلالی سیصد و پنجاه و چهار روز است. اما هشت ساعت اضافه دارد. سال قمری سیصد و پنجاه و چهار روز و هشت ساعت است. هشت ساعت تام؟ نه مقداری دقیقه هم اضافه دارد.

«و ثمان ساعات و ثمانية و أربعون دقيقة»؛ هشت ساعت و چهل و هشت دقیقه اضافه دارد. یک شبانه‌روز بیست و چهار ساعت است، وقتی در یک سال قمری، از سیصد و پنجاه و چهار روز، هشت ساعت اضافه داریم، سه سال که گذشت این سه هشت ساعت روی هم اضافه می‌شود و یک روز زیاد می‌کند. پس در هر سه سال یک روز دارید. چون در هر سال هشت ساعت دارید. در سه سال بیست و چهار ساعت اضافه می‌شود. خُب دقیقه آن چه؟ چهل و هشت دقیقه اضافه بود. چند سال می‌شود تا این چهل و هشت دقیقه‌ها یک شبانه‌روز شوند؟ سی سال می‌شود.

در هشت ساعت، هر سه سال یک روز داریم؛ چون سه هشتا بیست و چهار ساعت می‌شود. اما در چهل و هشت دقیقه اش، هر سی سال یک روز دارید. یعنی دقائقش برای شما یک روز می‌آورد. خُب اینها آمده‌اند از اول سی سال را با این دقائق حساب کرده‌اند.

اگر این دقیقه را حساب نکنیم در سی سال چند کبیسه داریم؟ یعنی فقط هشت ساعت را بگیریم. هر سه سالی یک روز داریم، در سی سال، ده روز کبیسه داریم. اما اگر دقیقه هایش هم در سی سال یک روز به ما بدهد، بنابراین در سی سال یازده روز داریم. این یک محاسبه خیلی روشنی است. یازده سال کبیسه داریم، یعنی یازده روز باید به آنها اضافه کنیم. این فرمایش مرحوم آقای خوانساری است. عبارت کوتاه و جذابی است که مطلب را به‌راحتی به دستمان می‌دهد.

«ففي كل ثلاث سنين يحصل من الساعات الزائدة» هشت ساعت، **«بقدر يوم للكبس»؛** بیست و چهار ساعت می‌شود. **«و في كل ثلاثين سنة أيضا يحصل من الدقائق الزائدة بقدر يوم للكبس»؛** از چهل و هشت دقیقه.

«ففي كل ثلاثين سنة يحصل أحد عشر يوما للكبس»؛ ده روزش برای ساعات است، یک روز برای دقائق است. این بیان ایشان بود. البته در ادامه ایشان می‌گویند: **«الرواية الأخيرة التي تضمنتها لا يخلو أيضا عن شيء»؛** یعنی این روایت با توضیح هشت ساعتی که ما دادیم، جور در نمی‌آید که بعداً می‌رسیم. این توضیح اصل حرف است.

---

[1] نكميل مشارق الشموس في شرح الدروس؛ ص: ۴۷۲

[2] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 7 آوریل 2026 14:55:22 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 آوریل 2026 15:05:32 توسط ... .